مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره ۱۱، بهمن ۱۳۹۰، صفحات ۱۵۶ - ۱۵۱

گزارش

ملاحظاتی در خصوص تأمین‌مالی بخش کشاورزی

دفتر تحقیقات و سیاست‌های تولیدی

حسین جلیل‌پیران[۱]

بخش کشاورزی کشور به‌عنوان یکی از بخش‌های کلیدی نقش ممتازی در تولید، اشتغال و کسب درآمد روستاییان ایفا می‌کند، با این حال میزان تشکیل سرمایه در این بخش در مقایسه با ظرفیت‌های موجود در بخش کشاورزی و نیز در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی مطلوب ارزیابی نمی‌شود. بخشی از این مشکل اساساً ناشی از ساختار تأمین مالی در این بخش و فرایندهای تأمین مالی مربوطه می‌باشد و از این منظر اتخاذ رویکرد مناسبی جهت بهبود ساختارها و فرایندهای تأمین مالی در بخش کشاورزی حائز اهمیت می‌باشد.

ناکارآمدی سیاست اعتبارات ارزان و تأثیر آن بر کارایی و پس‌انداز کشاورزان

سیاست اعتبار ارزان که به‌معنای اعطاء تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی در یک بخش است از مهم‌ترین رویکردهای دولت برای رفع مشکل تأمین مالی بخش کشاورزی طی چند دهه اخیر بوده است. این درحالی است که نرخ‌های پایین سود تسهیلات بانکی در بخش کشاورزی با کاهش انگیزه بانک‌ها برای تأمین مالی این بخش تا حد زیادی تحقق اهداف اعتباری مصوب را محدود کرده است. به علاوه، سیاست اعتباری ارزان با افزایش تقاضا برای اعتبارات موجب سهمیه‌بندی غیرقیمتی بانک‌ها در توزیع اعتبارات شده است و این امر دسترسی بیشتر کشاورزان ثروتمند به اعتبارات را به اتکاء وثایق موجب گردیده و کشاورزان خرده پا معمولاً از دریافت اعتبار مورد نیاز خود محروم مانده‌اند. از این لحاظ سیاست اعتبار ارزان از عملکرد مطلوبی برخوردار نبوده و نتایج معکوسی را از نقطه‌نظر تأمین مالی بخش و تعادل توزیعی در روستاها به بار آورده است. وضعیتی که مطالعات میر،۱۹۹۰ و سارباجیت و گوپتا ۱۹۹۶ آن را در دیگر کشورها نیز تأیید کرده است.

---

۱. کارشناس‌ارشد علوم اقتصاد. hjp1356@yahoo.com

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

براساس مطالعه ترکمانی و احمدپور (۱۳۷۹) مشکل اصلی کشاورزان، بالابودن نرخ سود تسهیلات بانکی نبوده و بیشتر از عدم دسترسی به اعتبارات رسمی ناشی شده است. به اعتقاد آنها سیاست اعتبار ارزان نمی‌تواند به‌عنوان یک ساختار انتقال درآمد به کشاورزان خرده پا عمل نماید، چراکه کشاورزان بزرگ بیش از سایر کشاورزان از درآمد انتقالی اعتبارات ارزان بهره می‌برند. آنها نشان می‌دهند که وجود نرخ ارزان تسهیلات بخش کشاورزی به دلیل سیاست‌های اعتباری یارانه‌ای باعث کاهش انگیزه پس‌انداز در بین پس‌اندازکنندگان شده و موجب نیاز بیشتر به کمک‌های دولتی گردیده است.

یزدانی (۱۳۷۲) نشان می‌دهد که بدلیل وجود وام‌های ارزان تقاضا برای اعتبارات افزایش می‌یابد که این عامل شکاف بین عرضه و تقاضا در بخش مالی رسمی را افزایش می‌دهد و این امر موجب معطوف‌شدن بخشی از تقاضا به بخش غیررسمی روستایی می‌شود که با نرخ‌های سود بالایی فعالیت می‌کنند.

همچنین، براساس مطالعه میر و همکاران(۱۳۸۳) اعطاء اعتبارات ارزان تنها می‌بایست با هدف تأمین نیاز سرمایه‌ای کشاورزان محدود شود نه اینکه به‌عنوان ابزاری برای انتقال درآمد به کشاورزان مدنظر قرارگیرد. به اعتقاد آنها تنها در این صورت است که می‌توان اثربخشی بیشتر اعتبارات را در بخش کشاورزی انتظار داشت.

مؤلفه‌های دسترسی نابرابر کشاورزان به اعتبارات بخش رسمی

درکشورهای درحال توسعه دسترسی به اعتبارات و میزان وام دریافتی از سوی کشاورزان ارتباط مستقیمی با میزان زمین دراختیار کشاورزان دارد، به‌گونه‌ای که نابرابری در مقدار زمین اغلب خود عامل و معلول دسترسی نابرابر به اعتبارات بوده است (میر،۱۹۹۰ و سارباجیت و گوپتا ۱۹۹۶).

مطالعه کرمی(۱۳۷۹) پیرامون رابطه توزیع اعتبارات بانکی با متغیرهای اقتصادی از قبیل زمین، درآمد ناخالص و مجموع دارایی‌های زارع نشان می‌دهدکه توزیع وام تناسبی با جمعیت گروه‌های مختلف زارعین نداشته و زارعینی‌که دارای دارایی بیشتر و زمین بزرگتر هستند سهم بیشتری از تسهیلات اعتباری را دریافت کرده‌اند.

میر و همکاران(۱۳۸۳) در بررسی عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات بازار مالی روستایی و نقش آن در تولید نشان داده‌اند که سطح زیرکشت، تعداد نیروی‌کار خانوار و داشتن پس‌انداز در بانک از عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات کشاورزی می‌باشند.

بررسی یزدانی(۱۳۷۸) نشان می‌دهد که طول مدت بازپرداخت وام، نحوه فعالیت کشاورز و سطح زیرکشت بر دریافت وام از منابع رسمی تأثیر مثبت داشته، اما سن بهره‌بردار بر میزان وام دریافتی تأثیر منفی دارد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

در بررسی دیگری در زمینه عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات رسمی و نحوه تأثیرگذاری آن بر تولید کشاورزی این نتیجه حاصل شده که وسعت مزرعه، میزان دارایی‌ها، تحصیلات و منطقه جغرافیایی بر میزان وام دریافتی تأثیر می‌گذارند (یزدانی و اخلاص‌پور،۱۳۷۷).

تقویت بازار مالی غیررسمی بواسطه نارسایی بخش مالی رسمی

نارسایی بخش رسمی بازار مالی روستایی از نقطه‌نظر پرداخت تسهیلات به میزان لازم و در زمان مناسب به کشاورزان خرده پا از مهم‌ترین مسائل بازار مالی کشورهای درحال توسعه می‌باشد، به‌طوری‌که این عامل باعث افزایش قدرت وام‌دهندگان بخش غیررسمی بازار مالی روستایی و افزایش قدرت انحصاری آنان در معاملات شده است.

پیناکی (۱۹۹۸)، میر(۱۹۹۰)، سارباجیت و گوپتا (۱۹۹۶) تقویت بازار مالی غیررسمی در کشورهای درحال توسعه را به تأخیر بخش رسمی در پرداخت اعتبارات و نابرابری در توزیع اعتبارات رسمی نسبت می‌دهند.

عرب مازار و خدارحمی (۱۳۷۸) با بررسی ویژگی‌های عمده بازار مالی روستایی در ایران نشان داده‌اند که بیش از $\frac{۳}{۴}$ تسهیلات دریافت شده به وسیله روستاییان از طریق منابع رسمی عرضه اعتبار (بانک کشاورزی، بانک‌های تجاری و تعاونی‌های روستایی) صورت پذیرفته است. با این حال، بخش غیررسمی با وجود دارا بودن نرخ سودی به میزان دو برابر نرخ سود بخش رسمی هنوز هم در بازار مالی روستایی کشور فعال بوده و حدود $\frac{۱}{۴}$ از تسهیلات کشاورزان را تأمین می‌نماید.

آنها با مقایسه وضعیت عرضه و تقاضای تسهیلات در بخش مالی رسمی روستایی کشور مازاد تقاضای موجود در بخش مالی رسمی را به نرخ‌های سود تثبیت شده نسبتاً پایین در بخش رسمی محدودیت منابع بانک کشاورزی و بی‌رغبتی بانک‌های تجاری نسبت به اعطاء تسهیلات به کشاورزان نسبت می‌دهند.

نقش بالقوه مؤسسات اعتباری غیردولتی در تأمین مالی بخش کشاورزی

بررسی میزان اعتبارات پرداختی به بهره‌برداران در بخش رسمی بازار مالی روستایی کشور حاکی از آن است که بازار مالی روستایی به تقویت نهادهای پرداخت‌کننده اعتبارات جهت رفع نیازهای مالی روستاییان نیازمند است. عدم توجه به این امر، گسترش بیشتر بخش غیررسمی و در نتیجه انتقال بخشی از درآمد روستاییان به بخش مالی غیررسمی و گسترش فقر در روستاها را به دنبال دارد. این درحالی است که اعتبارات بخش غیررسمی و نیز بخش عمده‌ای از اعتبارات بخش رسمی بازار مالی روستایی به صورت

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

انفرادی به متقاضیان اعطاء می‌شود و بر این اساس عدم توجه به مشارکت روستاییان درسپرده‌گذاری و توزیع اعتبارات یکی از کاستی‌های سیاست‌های اعتباری موجود کشور است.

یکی از راه‌حل‌های رفع مشکل نقدینگی کشاورزان در دیگر کشورها رویکرد توسعه مؤسسات اعتباری غیردولتی و محلی بوده که با بهره‌گیری از این مؤسسات زمینه برای پرداخت گروهی اعتبارات فراهم شده است. تعاونی‌ها و تشکل‌های خودجوش محلی به دلیل ارتباط ارگانیک بین اعضا و اعتماد ناشی از آن می‌توانند نهادهای مطمئن‌تری برای ساماندهی پس‌اندازهای پراکنده اعضاء، دریافت اعتبار و تخصیص آن به توسعه فعالیت‌های کشاورزی با رویکرد فعالیت گروهی و منافع مشترک باشند.

خزاعی (۱۳۷۹)، نجفی و یعقوبی (۱۳۸۴) و افتخاری و همکاران (۱۳۸۵)، نشان داده‌اند که به منظور تحقق اهداف توسعه روستایی همگام با بسترسازی فرهنگی برای جلب مشارکت روستاییان در فعالیت‌های جمعی وگروهی، تغییر شیوه اعتبارات روستایی از حالت فردی به گروهی و اعمال نظارت دقیق بر نحوه بکارگیری این اعتبارات در طول زنجیره ارزش رویکردی مناسبتری می‌باشد. به علاوه، تحت این نظام مالی ساخت‌یافته[1]، تأمین مالی در تمام طول زنجیره ارزش انجام می‌شود بدون آنکه نیازی به وثایق متعارف وجود داشته باشد. در این مسیر مؤسسه مالی و اعتباری غیردولتی وظیفه تأمین مالی ساخت‌یافته را برعهده می‌گیرد، خریدار نسبت به مؤسسه متعهد و تولیدکننده وجه خود را بدون آنکه نیاز به ارائه وثایق متعارفی که از نظر سیستم بانکی معتبر است دریافت می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شرایط فعلی بازار مالی روستایی کشور بگونه‌ای است که سیاست اعتبار ارزان که سال‌هاست توسط دولت دنبال شده بی‌انگیزگی بانک‌ها برای پرداخت این اعتبارات و کاهش انگیزه کشاورزان برای پس‌انداز را بدنبال داشته است و همین امر دسترسی کشاورزان به منابع اعتباری را محدود کرده است. به علاوه، کشاورزان بزرگ به دلیل دارایی و وثایق بیشتر عموماً به اعتبارات بخش رسمی دسترسی بیشتری داشته و اغلب کشاورزان خرده پا که عمدتاً با محدودیت سرمایه و وثایق مواجهند از اعتبارات این بخش محروم بوده و به آسانی قادر به دریافت این منابع نمی‌باشند. از این منظر کارکرد نظام اعتباری رسمی به تقویت نابرابری در بخش روستایی نیز منجر شده است.

سیاست اعتبار ارزان با ایجاد مازاد تقاضا برای تسهیلات در بخش رسمی بخشی از تقاضا را متوجه بخش مالی غیررسمی و شبکه‌ای از روابط و مبادلات مالی پرهزینه ساخته است که به روستاییان آسیب می‌رساند.

1. Structured Finance

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

بنابراین، اصلاح سیاست اعتبار ارزان اجتناب‌ناپذیر می‌رسد و یکی از گزینه‌های قابل طرح جهت تقویت فرایند تأمین مالی بخش کشاورزی توسعه مؤسسات مالی و اعتباری غیردولتی است. توسعه این واسطه‌های مالی علاوه بر تقویت فرایند تأمین مالی روستاییان می‌تواند از رشد بخش غیررسمی جلوگیری کند. از طریق تأمین مالی ساخت‌یافته دسترسی بیشتر کشاورزان خرده پا به منابع اعتباری را افزایش دهد و نهایتاً پرداخت اعتبارات گروهی را در بخش روستایی تقویت کند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-10-16]